

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۱ نومبر ۲۰۱۳

دفاع از مجید قهرمان دین و وظیفه انقلابی ماست.

مجید یعنی مبارزه، انقلاب، آزادی، با شرافت زیستن، مردانگی و ناموسداری، مجید یعنی ایستاده جان باختن و تسلیم دشمن نشدن.

بزرگوار و گرامی محترم قاضی صاحب «موسی هستی»!

دروغ های آتشینم را نثار تان کرده ، سعادت، سلامتی و طول عمر برای تان می خواهم.

محترماً، این که شما از کهولت سخن می زنید، این را بدانید که شما هنوز دوران طلایی زندگی تان را سپری می نمائید. چندی قبل در تلویزیون بین المللی جمهوری خلق چین که به زبان انگلیسی پخش می شود با یک زوج چینیایی مصاحبه کردند که مرد بیشتر از دو صد و چهل و چند سال عمر و خانمش دو صد بیست و چند سال عمر داشت و هر دو از سلامتی خوب بر خوردار بودند، درست راه می رفتند و درست صحبت می نمودند. حدود یک دهه و اندی قبل از امروز یک پروفیسور کانادایی به خاطر پژوهش و تحقیقات عازم چین شد و منظور از سفرش این بود که اسرار طول عمر چینیایی ها را دریابد. وی در نقاط کوهستانی چین سفر می کند و از مردم در مورد سن و سال شان پرسان و تحقیق می دارد. وی زنان و مردانی را پیدا کرد که بیشتر از صد و پنجاه سال عمر داشتند و مشغول دامداری، مالداری و زراعت بودند و غذائی که مصرف می کردند اکثراً سبزی های کوهی و برنج بود. پروفیسور کانادائی زمانی که سبزی های کوهی را مورد معاینه لابرآتواری قرار می دهد بعد از تحقیقات در می یابد که تمامی مواد مدنی نیازمندی های بدن انسان در این سبزیجات وحشی پیدا می شود و دلیل طول عمر مردم در همین اکسیر و کیمیای طبیعی نهفته است.

شما مردانه سن و سال حقیقی تان را می گوئید و اما هستند کسانی که در سال ۱۹۸۳ عیسوی زمانی که وارد کانادا شدند، سن های تقاعدی را داشتند. اگر حالا جویای سن و سال شان شوید با اکراه و کبرطوری می انگارند که نو پای به پنجاه سالگی نهاده اند. پس به این نتیجه می رسید که هنوز شما جوان هستید و زندگی خیلی درازی را در پیش دارید. شما با مبارزات تان به مانند آن عمل می کنید که مردم می گفتند: همه درد و بلایش را به دشمنانش تقسیم می دارد. اگر ما هم حق داشته باشیم برای یک لحظه از زبان مردم در زمینه چیزی بنویسیم، می توان نوشت:

«همه درد و بلاي تان در سر غفور-حسین- صادق- کور موشک- پایپگگ و جانورانی از قماش شان بخورد و از عمر هر کدام شان بیست سال کم شود و به عمر شما اضافه گردد زیرا آنها بی جهت زنده هستند و غذای زنده ها را می خورند. قلم جادویی تان در افشای خاینان و مرتجعان رساتر و آتشین تر باد.»

نوشته ها و طنز های زیبای تان که بیانگر حقایق تلخی می باشند به مثابه دشنه های خنجر گونی است بر قلب دشمنان رنگارنگ بالخصوص شرفباختگان انجو اکونومیست و «مائویست» های دروغین از قماش صادق ظفر- حسین جاسوس، غفور ثنا «غف»، بچه بی ریشان پیرم قل، تسلیم طلبک های پچول پتین و دیگر خاینان، میهن فروشان و قاتلان ملت.

بعد از افشای لیست ۵۰۰۰ تن از شهیدان و جانبختگان راه آزادی «انجنیر صادق ظفر» بر آشت و بر آنانی که از شهداء و جانبختگان یاد کردند و دست به تظاهرات زدند و خواهان محاکمه جنایتکاران جنگی شدند، زنجیر پاره کرد و برچسب اپورتونیست زد و آنان را محکوم به همکاری با امپریالیسم ودولت مزدور نمود؛ و اما بعد از گذشت یک ماه و چند روز یک فراخوان و یک اعلامیه را تحت عنوانین "فراخوان برای برگزاری هماهنگ {هماهنگ} روزیادبود از رفقای جانبخته و در پیشاپیش آنها رفیق اکرم یاری"

حزب کمونیست (مائویست) افغانستان

اعلامیه رهروان جنبش دموکراتیک نوین (شعله جاوید)

ما یاد رهبرخردمند ما رفیق اکرم یاری و دیگر رفقای جانبخته {جانبخته خویش را گرامی میداریم و راه آنها را با تداوم مبارزه تا پیروزی {پیروزی} ادامه میدهیم" به نشر رسانیدند؛ عجباً !

گر چه این «فراخوان و اعلامیه» به مثابه همان حنای بعد از عید است و به درد صادق ظفر می خورد تا خارشش را التیام بخشد و اما چه دلیلی موجود بود که نخست همه را محکوم کردند و حالا مدعی شده اند که برای برگزاری هماهنگ روز یاد بود از «رفقای» جانبخته شان را گرامی می دارند؟!

نمی دانم که در لیست شهدای ۵۰۰۰ نفره، اسم چند نفر «رفقای» شان درج است، شرط می بندم که یکی هم نیست؛ زیرا دستان خود شان و بادران روسی شان و برادران خلقی- خادی و پرچی شان به خون شهدای لیست ۵۰۰۰ نفره تا به آرنج رنگین می باشد. حالا این ها به مثابه سگ های وامانده از قافله پارس می کنند تا جلب توجه نمایند. این بی هویت ها و فواحش سیاسی هم چو سرش به مرده «زنده یاد یاری» چسبیده اند، زیرا دیگر تکیه گاهی ندارند و شهید یاری هم در قید حیات نیست تا از خود دفاع نماید!

مبارزات انقلابی ما، خادیسیت های انجونیست این جاسوسان هفت رنگ را هراسان، دست پاچه و سراسیمه ساخته است و به دمهال سگ جنگی ها و افشاءگری ها میان شان گویا با هم متحد شده اند. چندی قبل متحد سیاسی شان مسوولین نشریه متوفی «موج» که در هالند منتشر می گردید، حالا آن دو نفر یک سازمان انترنیتی را بنام «سازمان کارگران م.ل.م» ایجاد نموده و در دفاتر انجو ها در مزار شریف مشغول خدمتگذاری اند. این دو جلف فاسد علناً علیه «حزب کمونیست مائویست» حسین جاسوس «انجنیر ضیاء» قد علم نمودند و شعار به پیش در راه ایجاد «حزب کمونیست مائویست» اصلی را از قوش خانه «پیرم قل» با زنگ و جامن به صدا آوردند. هم چنان صادق ظفر و غفور ثنا نیز «حزب کمونیست مائویست» حسین جاسوس «انجنیر ضیاء» را یک حزب منحرف و رویونیستی و رهبرش را «خوجه نین» مخاطب قرار داده و شعار ایجاد «حزب کمونیست مائویست» را می دادند. قرار معلوم داکتر غفور ثنا مقیم هالند و قاتل رفیق «سهراب سلطان» و صادق ظفر قاتل شهید «نصرالله» با «حزب کمونیست مائویست» حسین جاسوس «انجنیر ضیاء» یکجا شده اند و اما بچه بی ریشان پیرم قل در این باره سکوت اختیار نموده اند. دیده شود غفور ثنا- صادق ظفر و حسین جاسوس با یک درجن انجونیست های «مائویست» ش در ائتلاف با کشتن ها، حزب وحدت اسلامی شاخه سیما سمر و محقق و بعضی اخوانی های «جاغوری» چه گلی را به آب خو اهند داد؟

این عوامل «کوانتل پرو» با پنهان شدن شان تحت نام «رهروان جنبش دموکراتیک نوین شعله جاوید» و..... دیگر نمی توانند اغواگری و مردم فریبی نمایند، زیرا مردم به خوبی می دانند که (شعله جاوید) چیست و رهبران اصلی اش که ها

بودند. هم چنان استفاده از نام «یاری صاحب» ، «اندیشه یاری» و فلان و بسمدان «زنده یاد یاری» هیچ گونه آبرو و حیثیتی برای آبرو رفتگی و بی حیثیتی شان خریده نمی تواند.

گلبدین و مسعود اولین کسانی بودند که بر جبهات ساما در شمالی به همکاری روسها حمله نمودند و ده ها چریک سامانی توسط این دو مفعول اخوانی به شهادت رسیده اند. قرار راپور های مستند احمد شاه مسعود در دستگیری مجید قهرمان رول عمده را بازی کرده است. پس همکاری با دزدان سر گردنه شورای نظار دشمنی آشکار با خط سرخ مجید بزرگ بوده و خیانت آشکار به خون های گلگون و ریخته شده شهدای بزرگ سامانی می باشد.

بلی استاد گرانمایه، نستوه ، انقلابی و دانشمند ما گرانقدر «موسوی» سالهاست که با «ساما» رابطه ندارد و اما این بزرگمرد با شهامت و بی همتا و رهبر «ساما»ی انقلابی از رفقای همزمش هم چو زنده جاوید مجید کلکانی و زنده یاد قیوم رهبر و دیگر رفقای جانباخته اش چه جانانه دفاع می کند و مهمتر از همه ایشان با چه هیبت و غروری از ساما و عملکرد های ساما در مقابل دشمنان ساما ایستادگی کرده و دفاع می کند. آنان که شرف و ضمیر دارند به خاطر خدمات ارزشمند موسوی چه در جریان دمکراسی نوین و چه در جنبش انقلابی ارج و احترام فراوان می گذارند و متیقم که روزی تاریخ در مورد مبارزات قهرمانانه ایشان لب به سخن خواهد گشود و در ستایش از عملکرد ها و کار نامه های انقلابی شان صفحات طلایی اش را تخصیص خواهد داد. در پهلوی ایشان و در سطح پائینتر نظر به استعداد- توان و درک، من هم جانانه از ساما و عملکرد های انقلابی اش و افتخارات فنا ناپذیر شعله جاوید به دفاع بر خاستم و از عظمت مبارزاتی ساما و شعله جاوید با تمام عشق و محبت دفاع کرده و می کنم. دشمنان رنگا رنگ به شمول خادیسست های جاسوس، مائویست های نام نهاد، تسلیم طلبک های بی ناموس، دغلباز، دسیسه ساز و «اندیوالان» دامن بالای شان را نهایت وارخطا و هراسان ساخته ام. زنازادگان خلقی- خادی و پرچمی را بدان واداشته ام که هم چو موش ها در سوراخ ها پنهان شوند. اخوان ملعون را از غرو پف انداخته ام و ثابت کرده ام که پست ترین و ریا کار ترین طبقات اجتماعی می باشند.

سایت آزادگان متعلق به شما و همه ما می باشد و شما صلاحیت عام و تام دارید که هر چه بنویسید و دشمن را به تب و لرز بیندازید. بگذار آن بی ناموسان آیه /ببوو خطا و کمونیست نما های وجدانباخته عو عو کنند و عف و جف و غر و پف بزنند و اما ما و شما دوی درد شان یعنی (کوچوله) را داریم و هر زمان که «غف» عف زد، صادق عو عو نمود و حسین جاسوس قوله کشید، ما هم چاره ای جزء تزریق کوچوله به آن سگ های دیوانه نداریم. رفقاء و دوستانی از جاغوری- سرخ پارسا و..... برایم در فیس بوک پیام می گذارند ،ضمن تأیید کار های مبارزاتی ام متذکر می شوند که سگ ها را دیوانه ساخته ام و اکثراً مردم شریف آن دیاران از ما تمجید می دارند و از صادق ظفر و حسین جاسوس به خاطر گذشته های ننگین شان ابراز نفرت می کنند.

جای شک نیست که ما از تجارب شما بزرگان می آموزیم و آرزو داریم تا تمام نیرو و انرژی خود را بخاطر افشای وطنفروشان و جنایتکاران به منظور خدمت به خلق و وطن مصرف کنیم. شما ببینید که چرا حسین جاسوس-صادق ظفر-خفور ثنا و چند تا میهن فروش و جاسوس در یک ائتلاف غیر متجانس جمع می شوند؟ دلیلش قدرت مبارزات پیگیر و افشاء گری های مستند ما می باشد که تنگ های شان را سست نموده است.

شما می دانید که پیکره یک حزب مشتمل بر اعضا، هواداران، بخش چریکی و نظامی و می باشد و یک حزب باید اقلأ از لحاظ کمی نیز از تعداد انگشتان فروتنتر باشد. زمانی که هسته انقلابی به «حزب» تبدیل گشت حدس و گمان ما براین بود که ایجاد و بنیانگذاری حزب توسط چند سازمان و شخصیت های بزرگ سیاسی انجام یافته است. حتا زمانی که «حزب» اعلان جنگ خلق نمود ما بر این باور بودیم که حتمی نیرو هائی برای آغاز جنگ دارد و ما هم مالا مال از عشق به ایدئولوژی دورانساز طبقه کارگر بر خود می بالیدیم که بالاخره آرزوی ما برای ایجاد حزب و

انقلاب کردن بر آورده شده است. به صد ها اعلامیه جنگ خلق را پخش کردیم و منتظر آغازش بودیم، روز ها بدین منوال گذشت و از جنگ خلق خبری نشد. بعد ها دریافتیم که یک درجن بی ناموس و مشتی جاسوس از احساسات انسانی و انقلابی ما سوء استفاده کرده اند و نه از گروپ های چریکی و ارتش خلق خبری است و نه از جنگ خلق. به هر صورت امروز ما در مبارزه با «حزب کمونیست» که در حقیقت امر وجود خارجی ندارد، نیستیم بلکه ما در مقابل یک درجن حتا حالا نیم درجن نسل روسپیان و دلالان رو به رو هستیم و مبارزات خستگی نا پذیر ما نعش های این سگان را جلو پا های ما انداخته است.

این که این حرامزادگان هزاره ایست و چنگیزیست هنوز هم اسم و اعتبار مبارزاتی شعله جاوید را به ریشخندی گرفته اند و صادق دله و دیوث و مفعول خود را یک تن از هواداران جنبش دموکراسی نوین معرفی می دارد و حالا حسین جاسوس در پهلوی قحبه خانه و دفتر انجو به اسم «حزب کمونیست مائوئیست» خودش را هم چنین «رهروان جنبش دموکراتیک نوین -شعله جاوید» خطاب می کند؛ حالت تهوع و استفراغ برای کادر ها و رهروان اصلی (شعله جاوید) رخ می دهد. رسوا تر از همه این نسل خطا و حرامزاده «فقید اکرم یاری» را به استهزاء و تمسخر گرفته اند زیرا همه می دانند که ایشان رهبر شعله جاوید نبود و توسط رهبر شعله جاوید، «دکتر هادی خان محمودی» به سیاست آورده بود. تا جایی که به صورت خاص مسأله مربوط به «سازمان جوانان مترقی» می گردد، «سجم» در حقیقت امر دارای هیچ گونه پراتیکی زیر نام خود نبود و من حیث یک محفل سیاسی عرض اندام نموده بود که سر انجام منقرض و معدوم گشت. این که چند تا جاسوس انجونیست، دله و دیوث و مفعول، زنده یاد یاری را من حیث بنیانگذار و رهبر شعله جاوید و «سجم» تحمیل می دارند؛ با این حماقت ذاتی و جعلکاری تاریخی شان فکر می کنند که اعتبار و افتخارات تاریخی شعله جاوید را مختص به «جاغوری» ساخته و مهر هزارگی می زنند، زهی سگ گری سگانه!!!

متأسفانه رفقاء و هموطنان هزاره ما هم مهر سکوت بر لب زده اند و خاموش نشسته اند و آنها به خوبی می دانند که خون بیشتر از پنجاه هزار شعله ئی در کران تا کران این وطن به خاطر دفاع از میهن و مردم ریخته است و نباید خاموشی اختیار کرد و بر خون های ریخته شده جانبختگان شعله ئی خیانت ورزید. این که از مجرا های مختلفی با من تماس حاصل بر قرار داشتند و کوشش نمودند که بالائی این موضوع دیگر مکث نکنم؛ من به خواست شان لبیک گفتم و اما در مقابل آنها چه کردند و چرا در مقابل چند تا بی ناموس جاسوس و وطنفروش خاموش نشسته اند؛ چرا حد اقل پا جلو نمی گذارند و شعله جاوید و «سجم» وزنده یاد «یاری» را از چنگال گروگانگیران آنها بیرون نمی کشند، خود می دانند که در مقابل تاریخ پاسخگو اند.

اگر مسائل سکتاریسم، قوم گرایی، محلی گرایی و گرایشات لوکلیستی در رفتار، کردار و خط حرکی سیاسی شان نیست پس از چه می هراسند و خاموش نشسته اند؟

بلی دفاع از مجید قهرمان و دیگر کادر ها و رهروان جانبخته و مبارزان بزرگ سامائی و مجموع جنبش انقلابی که به خاطر دفاع از میهن خون شان را نثار کردند وظیفه و دین میهنی و انقلابی ما می باشد و تا که نفس در سینه می تپد به این کار ادامه خواهیم داد. از تمام رهروان مجید قهرمان که به راه و آرمان مجید وفا دارند و اما تصمیم گیری آینده شان را در اختیار ندارند و در اسارت چند تا انجونیست، (پرچمی) های امریکائی، تسلیم طلبان ملی و دیگر خاینان و وطنفروشان می باشند، انتظار می رود تا صفوف شان را از این شرفبختگان دولتی و حکومتی جدا سازند.